

# نقش باز تقسیمات سیاسی در جریانهای مهاجرتی استانهای نوظهور ایران نمونه : استان خراسان شمالی

قدیر صیامی<sup>۱</sup>

محمد رضا دربان آستانه<sup>۲</sup>

بازنمایی تغییرات پدیدار شده در روندها، گونه ها و رفتارهای مهاجرین داخلی خراسان شمالی متأثر از باز تقسیم قلمرو اداری- سیاسی خراسان بزرگ در سال ۱۳۸۳، هدف محوری این پژوهش است. روش شناسی این پژوهش بر بازسازی داده های جمعیتی محدوده سیاسی این استان و بهره گیری از شیوه های غیر مستقیم رله<sup>۳</sup> و روش بازماندگی معکوس<sup>۴</sup> در نرم افزار صفحه ی گسترده ی تحلیل جمعیتی<sup>۵</sup> (PAS)

---

۱. دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه ریزی شهری، عضو هیئت علمی دانشگاه بین المللی امام رضا(ع) siami.FUM@gmail.com

۲. کارشناس ارشد جغرافیا و برنامه ریزی روستایی، عضو هیات علمی دانشگاه پیام نور خراسان شمالی D.astanch@pnu.ac.ir

3- Rele Method

4 - Reverse Survival Method

5 - Population Analysis Spreadsheets

مبتنی است. در این راستا روندهای مهاجرتی قبل و بعد از تقسیمات سیاسی در چارچوب دو رویکرد «نظام مهاجرت‌های روستا - شهری» و «تحلیل ناحیه ای جریان مهاجرت‌های داخلی» مورد تحلیل قرار گرفته است. نتایج این پژوهش حاکی از آن است که بازتقسیم سیاسی در شمال شرق ایران و ظهور خراسان شمالی بر خلاف سرشماری قبل از منطقه گرایی و بازتقسیم خراسان بزرگ، به افزایش پویایی در جریانهای مهاجرتی داخل با گرایش چشمگیر به مرکز، تشدید فرایند شهرنشینی استان و گسترش دامنه و شعاع جابجایی‌ها از مهاجرت‌های درون‌شهرستانی به مهاجرت‌های فرااستانی، انجامیده است. از سویی، این امر سبب شکستن مرزهای سنتی مهاجرت در استان خراسان شمالی و ورود گروه‌های مختلف مهاجرین از قطب‌های مهاجرفرست شرق و مرکز ایران به سوی این استان شده است.

**واژگان کلیدی:** منطقه گرایی، استان خراسان شمالی، مهاجرت

#### مقدمه

مهاجرت به عنوان پیچیده‌ترین بُعد تحلیل در مطالعات جمعیت‌شناختی (کلاتری، ۱۳۸۲: ۱۸۳)، شکلی از تحرک مکانی - جمعیتی است که بین دو واحد جغرافیایی انجام می‌گیرد و باید به تغییر محل اقامت فرد از مبدأ قبل از مهاجرت وی، به مقصد یا محل اقامت جدید بیانجامد تا نام مهاجرت به خود بگیرد (امانی و همکاران، ۱۳۵۴: ۷۱). رولان پروسا جمعیت‌شناس فرانسوی، این تغییر محل اقامت افراد را متأثر از بعد زمانی و مکانی مهاجرت و برآیند این حرکت جمعیتی می‌داند (زنجان، ۱۳۸۰: ۵). زمانیکه در کشوری توسعه اقتصادی آغاز می‌شود؛ مهاجرت‌های داخلی، به بخشی مهم از جریانهای جمعیتی آن کشور بدل خواهد شد. از این رو مهاجرت صرفاً فرایند ناگهانی توزیع فضایی جمعیت، در پهنه ای مشخص از یک سرزمین نیست (لیورنته و پونتان، ۱۹۹۸: ۶۰)، بلکه اقدامی است اجتماعی - اقتصادی منطبق با فطرت و نیازهای طبیعی انسان (زنجان، ۱۳۸۰: ۵) که در ارتباطی مستقیم با سطح توسعه در کشورها، به بازتوزیع جمعیت و فعالیتهای آنها می‌انجامد. این جریانهای جمعیتی از چنان نیرویی برخوردارند که حتی می‌توانند به بازساخت کلان ساختارهای جمعیتی و در نتیجه ساختهای

اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی و زیست محیطی کشورها منجر شوند. از این رو برخی مهاجرت را اساسی و مهمترین بعد جهانی شدن می‌دانند (جانسون<sup>۱</sup> و همکاران، ۲۰۰۷: ۱۷). بر پایه آمارهای مرکز بین‌المللی مهاجرت<sup>۲</sup> (IOM) در سال ۲۰۰۹ در حدود ۲۰۰ میلیون نفر مهاجر، اقدام به تغییر محل اقامت در نواحی مختلف جهان نموده‌اند که بیشتر آنها در قاره اروپا (۷۰/۶ میلیون نفر)، آمریکا (۴۵/۱ میلیون نفر) و آسیا (۲۵/۳ میلیون نفر) به ثبت رسیده است و پیش‌بینی می‌شود ضریب جهانی مهاجرت در طول دو دهه آینده حدود ۳۷ درصد افزایش یابد (سازمان ملل، ۲۰۰۹: ۱۱). بررسی علل و زمینه‌های مهاجرت در نواحی مختلف جهان نشان می‌دهد که مهاجرتها بنا به نوع، مقیاس، هدف، زمان و مکان مهاجرت علی‌رغم برخی تشابهات، ریشه‌های متفاوتی دارد.

در کشورهای آمریکای لاتین جاذبه دسترسی روستائیان به خدمات درمانی<sup>۳</sup> و رفاهی<sup>۴</sup> موجود در شهرها، در کشورهای آسیایی غالباً امید به بهبود شرایط اقتصادی خانوارها (اسمیت و ادمونسون<sup>۵</sup>، ۱۹۹۸: ۸۰)، در کشورهای غربی بخصوص اروپا، سیاستهای حمایتگرانه در راستای ترمیم فرم سالخوردگی جمعیت<sup>۶</sup> (بروان<sup>۷</sup>، ۲۰۰۲: ۴۲)، تعادل بخشی به روابط عرضه و تقاضا در بازار کار، باز آفرینی و احیاء رشد و توسعه اقتصادی و تقویت ساختارهای فرهنگی و اجتماعی در این کشورها (جانسون و همکاران، ۲۰۰۷: ۱) علل و زمینه‌های عمده جریانهای جمعیتی را به خود اختصاص داده است. نگاهی به دلایل و زمینه‌ها، گونه‌ها و روندهای گذشته و جاری مهاجرت در ایران نشان می‌دهد که طی نیم قرن اخیر و به دنبال پیوستن ایران به نظام سرمایه‌داری جهانی، فرایندهای مهاجرتی در مسیر تحولات بنیادین و پرشتابی قرار گرفته است. عواملی چون اصلاحات ارضی (مومنی، ۱۳۵۹: ۴۴۰)؛ افزایش درآمدهای نفتی و رشد بی‌رویه شهرنشینی (عمید؛ ۱۳۷۸: ۷۸)؛ غیر اقتصادی شدن فعالیتها در بخش کشاورزی،

- 1- Johnson
- 2- International Organization for Migration
- 3- Medicaid
- 4- Welfare
- 5- Smith & Edmonston
- 6- Population ageing
- 7- Browne

رشد جمعیت، توزیع ناعادلانه زمین در روستاها، تخصیص بیشتر منابع به شهرها و ارتقاء سطح زندگی شهروندان در مقابل روستائیان (معاونت امور اقتصادی و دارایی؛ ۱۳۷۵: ۶)؛ تشدید نابرابریها میان شهر و روستا (جوان، ۱۳۸۰: ۳۱۸)؛ برنامه ریزی قطبی مبتنی بر توسعه شهرها (مؤمنی؛ ۱۳۵۹: ۴۴۰)؛ جنگ ایران و عراق و نیز بروز جنگ در افغانستان (امانی، ۱۳۸۰: ۴۳)؛ آغاز روند صنعتی شدن شهرهای ایران بعد از دوره پهلوی دوم (مرتضوی، ۱۳۸۳: ۱۱)؛ مهاجرت‌های محیطی<sup>۱</sup> متأثر از خشونت و جبر شرایط محیطی در مناطق جنوب و جنوب شرق ایران (عفیفی و جاگر<sup>۲</sup>، ۲۰۱۰: ۷۹) و... سهم بسزایی در مهاجرت‌های داخلی این کشور داشته اند. اما در کنار این عوامل به نظر می رسد ضعف در نظام تقسیمات کشوری و تأثیر آن در تداوم مشکلات موجود ناشی از مهاجرت (کریمی پور، ۱۳۸۸: ۹)؛ و همچنین بازتقسیمات مکرر سیاسی (منطقه گرایی<sup>۳</sup>) و ظهور استانهای جدید در نقشه تقسیمات کشوری ایران، نقشی مهم در شکل یابی جریانهای داخلی مهاجرت در ایران و در نتیجه، بروز تأثیرات اقتصادی، اجتماعی، کالبدی بخصوص بر سکونتگاه های روستایی داشته است (پور طاهری و همکاران، ۱۳۹۰: ۲۸). از این رو در این مقاله تلاش می شود تا در یک رویکرد مقایسه ای و با هدف کشف تأثیر پذیری جریانهای مهاجرتی از تقسیمات سیاسی و به تبع آن پیدایش استانهای نوظهور در ایران، گونه ها و علل عمده مهاجرت‌های داخلی در استان نوظهور «خراسان شمالی» قبل و بعد از انفکاک از خراسان بزرگ در سال ۱۳۸۳ مورد تحلیل و بررسی قرار گیرد. در راستای هدف فوق پرسشهای زیر قابل پیگیری است:

۱- آیا نظام مهاجرتی استان نوظهور خراسان شمالی، از تفکیک این استان از خراسان بزرگ متأثر شده است؟

۲- آیا به دنبال شکل گیری استان خراسان شمالی، جریانهای مهاجرتی بین سکونتگاههای شهری و روستایی استان و نیز درون و بین شهرستانهای استان نوظهور، دچار تحولات محسوسی گردیده است؟

1- Environmental Migrations

2- Afifi & Jager

3- Regionalism

۳- به دنبال ایجاد استان جدید خراسان شمالی، آیا جریان‌های سستی مهاجرت بویژه مهاجرت‌های خارج استان همچنان تداوم می‌یابد یا نظم جدیدی بر آن حکمفرما می‌شود؟

#### درآمدی بر مفهوم منطقه گرایی (باز تقسیم سیاسی)

منطقه گرایی مشتمل بر تغییرات محسوس در مرزهای درون سرزمینی در راستای باز توزیع اختیارات اداری- سیاسی است. این چنین تغییرات فضایی در اختیارات سیاسی و حکومتی، می‌تواند تغییر در خطوط مرزهای استانی و ایالتی نیز تعبیر شود (تسو کاموتو<sup>۱</sup>، ۲۰۱۱: ۲۸۳). تقسیمات اداری - سیاسی و تفکیک ایالت‌ها (استان‌های) پر وسعت به نواحی کوچکتر در قالب طرح‌های راهبردی - آمایشی از جمله اقدامات دولتها برای مدیریت و ساماندهی مطلوبتر منطقه ای فضا‌های کار و سکونت و نیز با هدف حفظ وحدت، یکپارچگی و امنیت سرزمینی انجام شده (ره‌نما، احمدی پور و رمینا، ۱۳۸۸: ۱۸) و نقشی تعیین کننده در جهت گیری جریان‌های مهاجرتی و تحولات اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی ناشی از آن در مقیاس محلی، منطقه ای و ملی دارد.

در کشورهای غربی همچون آمریکا نیز، با آغاز قرن بیست و یکم موج جدیدی از منطقه گرایی به دنبال ناکارآمدی‌های سیاسی اخیر در حکمروایی برخی مناطق و نواحی پدیدار شده است. بسیاری از سیاست‌گزاران ایالتی در آمریکا و حتی کانادا دریافته‌اند که نظام سستی ناحیه بندی در این کشورها از توان محدودی در حل مشکلات جدید برخوردار است. به عنوان مثال در سال ۱۹۹۵ هیأت قانونگذاری ایالتی در استان «نوا اسکوتیا»<sup>۲</sup> در جنوب شرق کانادا تمام چهار حوزه مادر شهری هالیفاکس<sup>۳</sup> را در یک حوزه متروپلی ادغام و اختیارات حکمروایی آنرا به یک شهرداری تفویض نمود (سانتون<sup>۴</sup>، ۲۰۰۱: ۵۴۶). در هلند نیز پارلمان این کشور با هدف تقویت حکمروایی محلی و منطقه ای، حوزه پروسعت روتردام را به دو محدوده ایالتی با اختیارات برابر تقسیم کرد و یا در کلان منطقه دنور<sup>۵</sup> در کشور آمریکا با ادغام اختیارات

1. Tsukamoto
- 2- Nova Scotia
- 3- Halifax Metropole
- 4- Sancton
- 5- Metro Region of Denver

حکمروایی ایالتی و حوزه اختیارات شهرداری کلرادو<sup>۱</sup> قلمروی جدید به نام مرز توسعه شهر پدید آمد(والیس<sup>۲</sup>، ۲۰۰۰: ۲). از این منظر منطقه گرایی و تقسیمات سیاسی جدید، فرایند ملی تمرکززدایانه ای است که با هدف تقویت کارآمدی و پاسخگو بودن حکومت، منتج به خلق مناطق جدید می شود. از طریق منطقه گرایی است که اهداف و آماج یک کشور در مسیر دموکراسی، رقابت پذیری اقتصادی، پایداری محیطی، برابری محیطی و مانند آن تجلی می یابد(اسکات<sup>۳</sup>، ۲۰۰۹: ۳).

در ایران سابقه تقسیمات سیاسی- اداری مرزهای داخلی به دوران ایران باستان باز می گردد. با این حال سابقه نظام تقسیمات سیاسی معاصر، ریشه در متمم قانون اساسی مشروطه(۱۲۸۶ ه.ش) دارد که بر اساس آن کشور به ایالت، ولایت، بلوک و ده تقسیم گردید و به دنبال آن در آبان ماه ۱۳۱۶ ه.ش قانون تقسیمات کشوری اصلاح و نظام فعلی جایگزین آن شد(رهنما و احمدی پور، ۱۳۸۲: ۳۵). از نمونه های متأخر بازتقسیمات سیاسی در ایران، می توان به شکل یابی استانهای گلستان، البرز، خراسان رضوی، شمالی و جنوبی طی دهه اخیر در فرایند منطقه گرایی درون سرزمینی ایران اشاره کرد.

#### منطقه گرایی(بازتقسیم سیاسی) و نقش آن در تحولات جریانات مهاجرتی

در بسیاری از کشورها بویژه کشورهایی با اقتصاد باز، تأثیر تقسیمات سرزمینی بر ساختار، گونه های مهاجرتی، ترکیب سنی درون کوچان<sup>۴</sup>، هزینه های مترتب بر آن در بخش آموزش و تأمین اجتماعی، درآمدهای مالیاتی شهروندان، تحول در ساختار اشتغال منطقه ای و... از جایگاهی منحصر به فرد در حکمروایی و مدیریت شهری - منطقه ای برخوردار است(اسمیت و ادمونسون، ۱۹۹۸: ۴۰). در کشور پرتغال مهاجرتهای داخلی از سال ۲۰۰۴ به این سو و با تصویب «اصول سیاست یکپارچه سازی مهاجرت<sup>۵</sup>» در اتحادیه اروپا، به عامل اطمینان بخشی در تحقق پایداری جمعیتی؛ اقتصادی- اجتماعی و رقابت پذیری در این کشور بدل شده و

1 - Colorado

2- Wallis

3- Scott

4- Age Composition of Immigrants

5- Principles of the Immigrant Integration Policy

مورد تشویق نیز قرار گرفته است و بر همین اساس از سال ۲۰۰۷ آیین نامه‌های «جذب»، «اسکان» و «توزیع» مهاجران به یک پیوست مهم در تمامی طرح‌های منطقه‌گرایی و به عنوان یک اصل مکمل مورد نظر برنامه ریزان و تصمیم‌گیران بوده است (ربلو<sup>۱</sup>، ۲۰۱۰: ۱۳۸). به عبارت دیگر به دلیل تحولات عمیق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی ناشی از تغییر مرزهای درون سرزمینی در بیشتر کشورهای توسعه یافته نظیر مرز استانها، ایالتها، مرز حوزه‌های خدماتی مادرشهرها، بازشناسی جریانهای جمعیتی و مهاجرتی مترتب بر آن جایگاه منحصر به فردی یافته است. این امر تا بدان جا حائز اهمیت است که به دنبال تغییر یا شکل‌گیری یک واحد سیاسی-اداری جدید، بر اساس سیاستهای راهبردی سرزمینی<sup>۲</sup>، الگوهای مهاجرپذیری در شهرها و کلانشهرها بر اساس خصوصیات فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی پیش‌بینی، مدلسازی و برنامه‌ریزی شده و نرخ، ساختار و علل جابه‌جایی‌های جمعیتی در پی این تقسیمات مورد بررسی دقیق قرار می‌گیرد. به عبارت دیگر اینکه در فرایند تقسیمات سیاسی درون سرزمین روندهای جمعیتی مهاجرتی داخلی چه سمت و سویی به خود می‌گیرند؛ به موضوعی مهم در مطالعات جمعیتی این کشورها بدل شده است.

با این وجود مطالعات متعددی نشان از این دارند که منطقه‌گرایی و خلق نواحی سیاسی جدید یا اصطلاحاً «منطقه‌سازی»<sup>۳</sup> اگر چه با رویکردی تمرکززدایانه و توسط دولتهای مرکزی انجام می‌شود اما مناطق نوظهور با جذب جریانهای مهاجرتی داخلی حوزه‌های پیرامونی در مسیر تمرکزگرایی و قطبی شدن مجدد ناحیه‌ای گام بر می‌دارند. به عنوان مثال انجام بازتقسیمات سیاسی که توسط دولت در کشور ونزوئلا با هدف رفع نابرابریهای اقتصادی دهه ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ و تحت تأثیر نظریه نئولیبرالها انجام شد نه تنها به تعادل منطقه‌ای منجر نشد بلکه با تخریب ساختار سنتی روابط شهر و روستا، فرایند مهاجرتی روستا-شهری و حرکت از شهرهای کوچک به شهرهای بزرگ و مراکز نوظهور ناحیه‌ای را تسهیل نمود (بانکو<sup>۴</sup>، ۲۰۰۹).

1- Rebelo

2- Territorial Strategic Policies

3- Region-building

4- Banko

۱۶۱). این امر نشان می‌دهد تقسیمات مجدد درون سرزمینی با ایجاد فرصتهای جدید اشتغال می‌تواند نقش مهمی در تغییر روندی سنتی مهاجرت در یک ناحیه جغرافیایی ایفا نماید.

### روش شناسی پژوهش

بازسازی داده‌های جمعیتی محدوده سیاسی استان نوظهور خراسان شمالی، بخش مهم این پژوهش را تشکیل می‌دهد. با توجه به هدف محوری این پژوهش یعنی تحلیل روند و شناخت شناسی رفتارهای مهاجرین طی دوره (۷۵-۱۳۶۵) و (۸۵-۱۳۷۵)؛ گردهم آوری آمارهای جمعیتی شهرستانهای استان در بازه زمانی (۸۵-۱۳۶۵) اجتناب ناپذیر به نظر می‌رسید. فقدان پوشش کامل اطلاعات اخذ شده از سازمان ثبت احوال استان جهت برآورد میزان رشد طبیعی - به عنوان فاکتور مهم محاسبه نرخ خالص مهاجرت در استان - بخصوص برای سالهای (۷۵-۱۳۶۵) - سبب شد تا با استفاده از نرم افزار PAS<sup>۱</sup> (صفحه‌ی گسترده‌ی تحلیل جمعیتی) از شیوه‌های غیر مستقیم رله<sup>۲</sup> و روش بازماندگی معکوس<sup>۳</sup>، میزان رشد طبیعی جمعیت مورد محاسبه قرار گیرد. همچنین در این پژوهش، گونه‌شناسی تطبیقی مهاجرت بین دو دوره مذکور در قالب دو رویکرد ابداعی یعنی «نظام مهاجرت‌های روستا - شهری» بر اساس تحركات جمعیتی میان نقاط شهری و روستایی استان (مهاجرت‌های شهر به روستا، معکوس، شهر به شهر و روستا به روستا) و «تحلیل ناحیه‌ای جریان‌های مهاجرتی در - به استان خراسان شمالی» بر اساس تحركات جمعیتی استان (در مقیاس‌های فرااستانی، بین شهرستانی، درون شهرستانی) و در بستر تحلیلی این فرض که تقسیمات سیاسی جدید در روندها و گونه‌های مهاجرتی استان خراسان شمالی تأثیرگذار بوده است؛ مورد بررسی قرار گرفته است.

### مبانی جمعیت‌شناختی خراسان شمالی

استان جدیدالتأسیس خراسان شمالی در شمال شرق ایران واقع شده است. این استان که در خردادماه ۱۳۸۳ بر اساس مصوبه مجلس شورای اسلامی و تأیید شورای نگهبان به عنوان سی‌امین استان کشور، از استان خراسان بزرگ تفکیک و گام در عرصه ساختار تقسیمات سیاسی

1- Population Analysis Spreadsheets

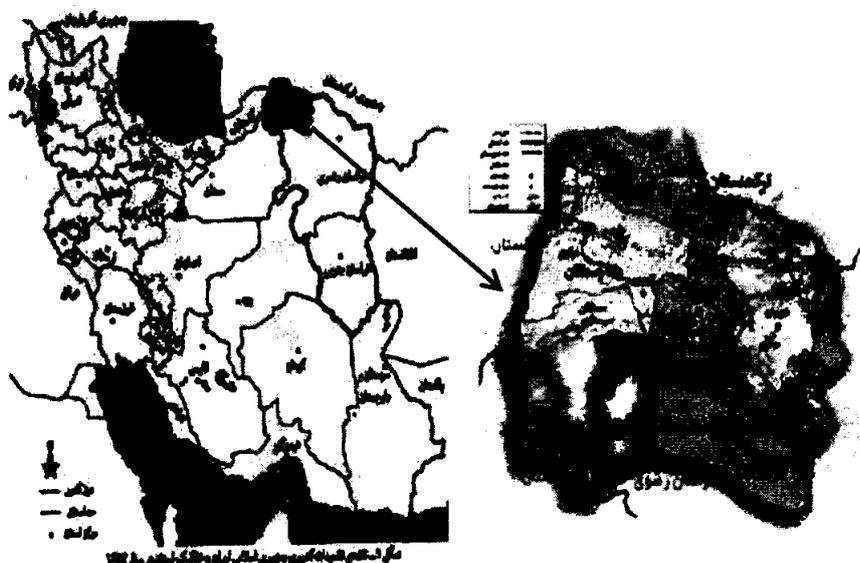
2- Rele Method

3- Reverse Method

## نقش باز تقسیمات سیاسی در جریان‌های مهاجرتی استان‌های نوظهور ایران...

ایران نهاد (استانداری خراسان، ۱۳۸۴: ۳۰)؛ بر اساس آمارهای سال ۱۳۸۵، جمعیتی در حدود ۸۱۲ هزار نفر (۱/۲ درصد از جمعیت ملی) را در خود جای داده است (شکل ۱).

نقشه ۱- موقعیت استان نوظهور خراسان شمالی در کشور بعد از آخرین تقسیمات سیاسی در خراسان بزرگ در سال ۱۳۸۲



متوسط رشد سالیانه رشد جمعیت استان طی دوره ۲۰ ساله ۱۳۸۵-۱۳۶۵ در حدود ۱/۳ درصد بوده است که رشدی کمتر از متوسط ملی یعنی ۰/۵ درصد را در همین دوره نشان می‌دهد. بیش از نیمی از جمعیت استان (۵۲/۶ درصد) روستانشین اند به این ترتیب برخلاف تحولات جمعیتی ایران که از سال ۱۳۶۰ به سمت توسعه جوامع شهری ایران تغییر روند داد؛ تا سرشماری اخیر الگوی غالب زیست در استان همچنان روستا نشینی بوده است.

جدول ۱- مقایسه سهم جمعیت شهرنشین خراسان شمالی و میانگین جمعیت شهری ایران

درصد شهرنشین	درصد شهرنشین	درصد شهرنشین
در سرشماری	در سرشماری	در سرشماری
۱۳۷۵-۸۵	۱۳۶۵-۷۵	۱۳۵۵-۶۵
۴۸/۴	۴۱/۶	۳۴/۳
استان خراسان شمالی		

(استخراج از آمارنامه مرکز آمار ایران (۱۳۸۵))

تراکم نسبی جمعیت استان در سال ۸۵ در حدود ۴۰ نفر در کیلومتر مربع بوده که نسبت به تراکم ملی (۴۳ نفر)، تراکم پایین‌تری را نشان می‌دهد. همچنین ۲۹ درصد از جمعیت استان زیر ۱۵ سال سن داشته که در مقایسه با ساختار سنی جمعیت کشور (۲۵ درصد زیر ۱۵ سال)، حکایت از ساختار جمعیتی جوان دارد. نسبت جنسی استان در آخرین سرشماری برابر با ۹۸ بوده است که پایین‌ترین ضریب نسبت جنسی ثبت شده در بین ۳۰ استان کشور را نشان می‌دهد و در مقایسه با نسبت جنسی کشور یعنی ۱۰۴ حاکی از مهاجرت مردان به خارج استان است. این استان در آخرین سرشماری انجام گرفته در سال ۱۳۸۵ از میان ۱۸ استان مهاجرفرست کشور با ۲۵۰۲۹ نفر موازنه مهاجرتی منفی، هفتمین استان مهاجرفرست ایران از نظر حداقل مهاجرفرستی محسوب می‌شود (مرکز آمار ایران، سرشماری عمومی نفوس و مسکن: ۱۳۸۵).

#### محاسبه نرخ رشد طبیعی جمعیت استان با استفاده از روشهای رله و بازماندگی معکوس

تغییرات سطح باروی و مهاجرت، از عوامل دموگرافیک تغییر و تحول جمعیت از زمانی به زمان دیگر بوده در حالی که تبدیل نقاط روستایی به شهر و ادغام آبادی‌ها در شهر، عوامل غیر جمعیت‌شناختی هستند و باید اثر آنها را در شناخت تغییر تحول جمعیت محدوده‌های مختلف از زمانی به زمان دیگر خنثی کرد. این بحث در مطالعات تحلیل جمعیت، «بازسازی داده‌های جمعیتی» نامیده می‌شود که پیش از هر نوع مقایسه‌ای باید انجام گیرد (زنجان، ۱۳۸۸: ۴۴). در همین راستا انجام برخی تحولات سیاسی-اداری در مرزهای داخلی استان خراسان شمالی سبب گردید تا برخی اطلاعات پایه جمعیتی همچون نرخ موالید استان در برخی شهرستانها همچون فاروج و جاجرم بخصوص برای دوره ۷۵-۱۳۶۵ با محدوده‌های سیاسی فعلی از انطباق کامل برخوردار نباشد. از این رو روشهای غیر مستقیم رله و روش بازماندگی معکوس در محاسبه نرخ موالید استان برای سال ۱۳۷۵ مورد استفاده قرار گرفت و به دلیل نیاز به میزان رشد طبیعی مربوط به میانه دوره ۸۵-۱۳۷۵ جهت محاسبه ضریب مهاجرت، این دو میزان برای دو مقطع ۱۳۷۵ و ۱۳۸۵ محاسبه گردید.

نقش بازتقسیمات سیاسی در جریان‌های مهاجرتی استان‌های نوظهور ایران...

جدول ۲- رشد طبیعی جمعیت استان خراسان شمالی بر اساس اطلاعات سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۷۵

ولادت (در هزار)	فوت (در هزار)	رشد طبیعی ثبتی <sup>۱</sup> (درصد)	غیر مستقیم (مدل رله)	غیر مستقیم (مدل بازماندگی معکوس)
۲۴/۳	۷/۵	۱/۷	۳۸/۴	۲۲
۲۰/۴	۷	۱/۳	۳۱/۲	۱۸/۶
۲۷/۳	۸	۱/۹	۴۴	۲۴/۵

جدول ۳- محاسبه موالید استان خراسان شمالی به روشهای غیر مستقیم (رله و روش بازماندگی معکوس) در سال ۱۳۷۵

جمعیت زنان ۰-۴ سال	نسبت کودک به زن	میزان موالید (رله)	کمتر از جمعیت یکساله	میزان موالید (بازماندگی معکوس)
۱۵۸۲۳۸	۰/۵۳۴	۳۸/۴	۱۴۳۴۲	۲۲
۶۸۳۹۵	۰/۴۵۴	۳۱/۲	۵۱۲۳	۱۸/۶
۸۹۸۴۳	۰/۵۹۴	۴۴	۹۲۱۹	۲۴/۵

جدول ۴- محاسبه میزانهای مربوط به رشد جمعیت استان بر اساس اطلاعات مرکز آمار ایران (۱۳۸۵)

اطلاعات سازمان ثبت احوال خراسان شمالی			سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۸۵ (مرکز آمار)		
میزان موالید	تعداد ولادتها پس از اعمال ضریب اصلاح	تعداد ولادتها	میزان موالید	تعداد ولادتها پس از اعمال ضریب اصلاح <sup>۱</sup>	تعداد کمتر از یکساله ها <sup>۲</sup>
۲۲/۱	۱۷۹۲۹	۱۷۷۵۰	۱۹/۹	۱۶۱۸۸	۱۵۰۷۴
موالید منطبق شده = ۱۶۹۶۹					
میزان ها					
مقدار	شاخص				
۰/۰۷۰۹	GFR باروری عمومی				
۲/۵	TFR باروری کل				
۲۱	ADJCBR میزان موالید منطبق شده				
۵/۷	CDR میزان فوت مستقیم				
۷	ADJCDR میزان فوت منطبق شده				
۱/۴	NGR میزان رشد طبیعی				

۱ - اطلاعات ثبتی برای برخی شهرستانهای نوظهور در استان خراسان شمالی موجود نبوده است.

۲ و ۳ - ارقام مندرج، تنها بیانگر میزان موالید است.

این بررسی نشان می‌دهد که رشد طبیعی جمعیت استان خراسان شمالی برای میانه دوره در جوامع شهری استان از جوامع روستایی کمتر است. این در حالی است که حداکثر افزایش جمعیت دوره اخیر استان، در مناطق شهری روی داده است. این امر دلالت بر این امر دارد که رشد معنی دار جمعیت در شهرهای استان بخصوص در شهر بجنورد بیش از آنکه ناشی از رشد طبیعی جمعیت شهری باشد؛ ریشه در مهاجرت به شهر و انتخاب این شهر به عنوان مرکز استان دارد.

#### محاسبه موازنه خالص مهاجرتی در استان خراسان شمالی

مهاجرت همچون باروری پدیده ای است تجدید پذیر. امری که امکان تشخیص مهاجرتها را بر حسب مرتبه و ترتیب فراهم می‌سازد. از سوی دیگر مهاجرت روندی است برگشت پذیر. شخصی که در یک سرزمین مشخص به دنیا آمده است و در جریان دوره ای آنرا ترک می‌کند؛ یک برون کوچ محسوب می‌شود و فردی که در خارج از سرزمین خود بوده و سپس در سرزمین یاد شده اسکان می‌گزیند یک درون کوچ است. هر دوی این افراد می‌توانند یک مهاجرت برگشتی نیز انجام دهند. نتیجه اینکه چهار نوع جابه جایی را می‌توان از همدیگر تمییز داد. خروج افراد بومی، ورود بیگانگان، برگشت بومیان، خروج بیگانگان (کلانتری، ۱۳۷۵: ۱۰۶).

نکته قابل توجه در این بررسی آن است که افزون بر کاهش جمعیت روستایی به دلیل افزایش مهاجرت فرستی از آن نقاط به نواحی شهری، بخشی از جمعیت روستایی نیز به دلیل تبدیل روستاها به شهر و یا ادغام در شهر، از جمعیت روستایی کنده می‌شود و موجب تقلیل جمعیت آن نقاط می‌شود (زنجان، ۱۳۸۸: ۱۰۳). از این رو در این بررسی و با هدف شناسایی جریانهای واقعی مهاجرت در استان خراسان شمالی، روستاهای تبدیل شده به نقاط شهری طی سرشماری ۱۳۷۵ تا ۱۳۸۵، به روش «بازسازی داده های جمعیتی روستایی از طریق محاسبه جمعیت روستایی بر اساس پیشینه روستایی بودنشان» (زنجان، ۱۳۸۸: ۱۰۳) صورت می‌گیرد؛ از این رو جمعیت روستاهایی که در دوره مورد مطالعه (۸۵-۱۳۷۵) به شهر تبدیل شده اند همچون صفی آباد، قاضی، درق، ایور به عنوان نقاط دارای جمعیت روستایی باز شناخته می‌شوند.

برای اینکه جابجایی‌های یاد شده به عنوان مهاجرت در نظر گرفته شوند؛ لازمه اش سپری شدن مدت زمانی از آغاز تا پایان جابجایی است. از این رو اگر مبنا و حد مطالعات ما، مرزهای سیاسی امروزی استان خراسان شمالی باشد؛ برون کوچان به کسانی اطلاق خواهد شد که از این استان خارج و به استانی دیگر مهاجرت می‌کنند. البته خروج مهاجران از خراسان شمالی به خارج از کشور به دلیل محدود بودن، از این مطالعات مستثنی شده‌اند. درون کوچان نیز به کسانی اطلاق می‌شود که از استانهای دیگر کشور به استان خراسان شمالی مهاجرت می‌کنند. با توجه به مبانی نظری این دیدگاه چهار موج مهاجرتی مذکور یعنی خروج افراد بومی از استان، ورود بیگانگان، بازگشت بومیان و خروج بیگانگان، مهاجرت ناخالص نام دارند و مهاجرت خالص یا موازنه خالص مهاجرتی از رابطه زیر به دست می‌آید (همان مأخذ، ۱۰۶).

$$B = (I_e - E_e) + (I_n - E_n)$$

که در فرمول فوق B عبارت است از موازنه خالص مهاجرت، I و E به ترتیب درون کوچان و برون کوچان و e و n به ترتیب خارجیان و بومیان. بر اساس داده‌های آماری مرکز آمار ایران و با توجه به اینکه جمعیت بومی و غیر بومی استان خراسان شمالی اندیس نرخ‌های برون کوچی و درون کوچی ما محسوب می‌شوند خواهیم داشت:

$$I = (1375 - 85) \text{ نرخ درون کوچان خراسان شمالی}$$

$$E = (1375 - 85) \text{ نرخ برون کوچان خراسان شمالی}$$

$$e = (1375 - 85) \text{ تعداد خارجیان خراسان شمالی}$$

$$n = (1375 - 85) \text{ تعداد بومیان خراسان شمالی}$$

که در نتیجه تراز مهاجرتی یا مانده مهاجرتی را می‌توان از این رابطه به دست آورد. این مقدار شماريست جبری که از تفریق کردن شمار مهاجرپذیری‌ها، از شمار مهاجرفرستی‌ها در طی يك دوران معین و برای يك سرزمین مفروض به دست آمده باشد (اسدی، ۱۳۷۵: ۳۱۹).

(برون کوچان بومی - درون کوچان بومی) + (برون کوچان خارجی - درون کوچان خارجی) = موازنه خالص مهاجرتی

$$51480 + (-76866) = -25386$$

که رابطه فوق نشان دهنده منفی بودن موازنه خالص مهاجرتی در خراسان شمالی است. به عبارت دیگر تعداد افرادی که طی ده ساله ۱۳۷۵ تا ۱۳۸۵ به این استان مهاجرت نموده‌اند کمتر

از افرادی است که از این استان خارج شده‌اند. این امر نشان دهنده بیشتر بودن نرخ برون کوچی از درون کوچی و در نتیجه مهاجرفرست بودن استان است. جهت برآورد نرخ خالص مهاجرت در استان بر مبنای نرخ رشد طبیعی محاسبه شده با استفاده از روشهای غیر مستقیم، می توان میزان خالص مهاجرت را از تفریق میزان رشد مطلق جمعیت از میزان رشد طبیعی جمعیت استان بصورت زیر دست آورد:

جدول ۵- محاسبه میزان مهاجرت در استان خراسان شمالی بر اساس آخرین رشد مشاهده شده بین دو دوره ۸۵ و ۷۵

$$MR = AGR^1 - NGR^2$$

میزان مهاجرت	رشد طبیعی			رشد مطلق	
	۱۳۷۵-۸۵	۱۳۸۵	۱۳۷۵		
-۰/۵	۱/۵۴	۱/۴	۱/۷	۱/۰۳	استان
۱/۲۷	۱/۳۶	۱/۳۸	۱/۳	۲/۶۳	مناطق شهری
-۲/۰۸	۱/۸۳	۱/۷۳	۱/۹	-۰/۲۵	نواحی روستایی

نتیجه این رابطه نشان می دهد که استان خراسان شمالی در دوره اخیر، علی رغم تفکیک از خراسان بزرگ با روند مهاجرتی ۰/۵- درصد، همچون سرشماری سال ۱۳۷۵، به عنوان استانی مهاجرفرست در مناسبات جمعیتی ایران محسوب می شود. به گونه ای که باز تقسیمات سیاسی اگر چه در برخی فرایندها و جریانهای مهاجرتی تأثیرگذار است اما در کوتاه مدت نمی تواند به تغییری بنیادین در ساختار مهاجرتی سنتی استان نوظهور منجر شود. با این وجود تفاوتی چشمگیری در میزان رشد مطلق و نیز خالص مهاجرتی میان نواحی روستایی و شهری این استان به چشم می خورد که نشانگر تأثیرگذاری تحولات سیاسی- اداری اخیر در روندهای مهاجرتی داخلی این استان باشد.

آمارها حاکی از آن است که هر چند نرخ رشد طبیعی جمعیت شهرهای استان در هر دو دوره ۷۵ و ۸۵ از ضریب یکسانی برخوردار بوده؛ اما در سرشماری اخیر افزایش چشمگیر نرخ رشد مطلق شهرهای استان متأثر از عامل مهاجرت به تشدید تمرکزگرایی شهری و تسریع در

1- Absolute Growth Rate  
2- Natural Growth Rate

## نقش بازتقسیمات سیاسی در جریان‌های مهاجرتی استان‌های نوظهور ایران...

فرایند شهرنشینی استان انجامیده است. بررسی‌ها نشان می‌دهد جمعیت و تعداد شهرهای استان خراسان شمالی، طی ده ساله ی ۷۵ تا ۸۵، به صورت قابل توجهی افزایش یافته است. از نظر تعداد، شهرهای این استان، از ۸ شهر در سال ۱۳۷۵، به ۱۶ شهر در سال ۱۳۸۵، افزایش یافته است و از نظر تعداد جمعیت شهرنشین استان نیز، این تعداد جمعیت، از سال ۱۳۷۵ تا ۱۳۸۵، در حدود یکصد هزار نفر (معادل ۳۳/۷ درصد سال ۷۵)، افزایش داشته است. به گونه ای که نرخ رشد جمعیت شهرهای استان، ضریب ۲/۶۳ درصد را نشان می‌دهد و در مقابل روستاهای استان با روند منفی رشد مطلق جمعیت روبه رو بوده اند (جدول ۶).

جدول ۶- تغییرات جمعیتی شهرهای استان خراسان شمالی طی دو دوره ۱۳۷۵ و ۱۳۸۵

نرخ رشد	ضریب تغییرات سهمی	ضریب تغییرات عددی	جمعیت شهرهای استان	جمعیت شهرهای استان	
			۱۳۸۵	۱۳۷۵	
+۲/۲۵	+۲۵	+۱۰۲۵۹	۵۱۳۲۱	۴۱۰۶۲	اسفراین
+۲/۵	+۲۸/۱۴	+۳۷۹۳۷	۱۷۲۷۷۲	۱۳۴۸۳۵	بجنورد
-۰/۴۸	-۴/۷	-۲۳۶	۴۷۳۵	۴۹۷۱	راز
+۳/۵۳	+۴۱/۳۵	+۵۳۳۴	۱۸۲۳۴	۱۲۹۰۰	آشخانه
+۱۲/۰۳	+۲۱۱/۵۴	+۲۳۲۶۸	۳۴۲۶۷	۱۰۹۹۹	جاجرم
-۳/۱۳	-۲۷/۳۰	-۲۳۷۸	۶۳۳۲	۸۷۱۰	گرمه
+۱/۶۸	+۱۸/۲۲	+۱۲۷۶۲	۸۲۷۹۰	۷۰۰۲۸	شیروان
-۰/۰۰۵	-۰/۰۰۴	-۵	۱۰۰۳۶	۱۰۰۴۴	فاروج

به عبارت دیگر به دنبال شکل یابی استان خراسان شمالی، تحرکات جمعیتی در درون محدوده سیاسی استان بیش از گذشته معطوف به مرکز استان، شهرهای متوسط و یا نزدیک به مرکز شده ولی با این حال روابط سنتی مهاجرت با تهران و برخی استانهای همجوار (به خصوص خراسان رضوی و گلستان)، همچون دوره گذشته محفوظ مانده است.

### مراکز مهاجرپذیر و قطب رشد های جمعیتی خراسان شمالی

از جمله مدل‌های محاسبه قطب های اصلی رشد جمعیت، مدلی است که از رابطه مستقیم نسبت افزایش جمعیت هر نقطه جمعیتی به جمعیت کل منطقه بین دو مقطع آماری بر نسبت

جمعیت هر نقطه به کل جمعیت منطقه در سال پایه حاصل می شود (مهندسین مشاور پارت، ۱۳۸۶: ۱۸).

مقایسه افزایش سهم جمعیتی شهرهای استان بر اساس مدل قطب رشد جمعیت استان در دو دوره سرشماری ۷۵ و ۸۵ نشان می دهد که مرکز تازه شکل گرفته این استان توانسته است با ضریب جذب  $2/88$  درصدی، بخش عمده ای از جمعیت مهاجر را به سوی خود جذب کند. اگر به آمارهای مهاجرتی سال ۱۳۷۵ توجه کنیم در می یابیم که نیمی از مهاجرین به شهرهای استان اغلب روستائیان محدوده همان شهرستان بوده اند. این در حالی است که در دوره ۸۵ مهاجرت‌های درون شهرستانی به شهرها کاهش چشمگیر یافته و به جای آن مهاجرت از دیگر استانها بخصوص استانهای خراسان رضوی و تهران به شهرهای استان خراسان شمالی بویژه بجنورد به عنوان مرکز این استان، رشد چشمگیری یافته و از  $16/5$  درصد به  $40/28$  درصد در سال ۱۳۸۵ افزایش یافته است. این امر نشان دهنده این واقعیت است که فرایند منطقه گرایی در خراسان شمالی به افزایش فزاینده ضریب شهرنشینی در این استان متأثر از مهاجرت بخصوص مهاجرت‌های خارج از استان و نیز افزایش سهم شهرنشینی مرکز استان نسبت به جمعیت شهرنشینی دیگر شهرهای استان انجامیده است.

نقش بازتقسیمات سیاسی در جریان‌های مهاجرتی استان‌های نوظهور ایران...

جدول ۲ (نقشه ۲) - ضریب جذب جمعیتی شهرهای مهم خراسان شمالی بر اساس آمارهای ۱۳۸۵

تعداد افزایش جمعیت		ردیف
رتبه جذب جمعیتی	بین سالهای ۱۳۸۵ تا ۱۳۷۵	
۲/۸۸۰۵	بجنورد	۱
۲/۷۲۵۳	اسفراین	۲
۲/۵۸۵۴	گرمه و جاجرم	۳
۱/۸۷۴۳	شیروان	۴
۱/۲۲۹۰	آشخانه	۵
۰/۵۷۶۰	فاروج	۶



امروزه تحول در ساختار و پایگاه اقتصادی- اجتماعی مهاجرین در مقیاس های ملی و منطقه ای، به بخشی مهم از جریانهای مهاجرتی تبدیل شده است. به گونه ای که بسیاری از مهاجرین نیروی کار کم تخصص یا فاقد تخصص به تدریج در حال جایگزین شدن با مهاجرین حرفه ای شاغل در شرکتها و مؤسسات خدماتی، مالی، اعتباری، مشاوره ای و...

مدیران سازمانی یا سرمایه‌گذاران بخشهای مختلف تولیدی و غیر تولیدی هستند که این امر یکی از پیامدهای عمده جهانی شدن اقتصاد محسوب می‌شود (وایت، ۱۹۹۸: ۱).

ایجاد بازارهای جدید اشتغال در بخشهای مختلف دولتی (به دلیل تأسیس استانداری و زیر مجموعه‌های سازمانی همچون ادارت کل) و به دنبال آن، افزایش اعتبارات بخش دولتی، پیدایش فرصتهای جدید اشتغال برای بسیاری از شرکتهای خدماتی و مشاوره‌ای خارج از استان بخصوص از متروپل مشهد و یا کلانشهر تهران، ایجاد زمینه‌های جدید سرمایه‌گذاری و پربازده در بخش مستغلات از جمله دلایلی است که می‌تواند منطبق با نظریه سرمایه‌انسانی (کاظمی پور و قاسمی، ۱۳۸۶: ۱۳۵) فرایندهای شهرنشینی در خراسان شمالی را به شدت تحت تأثیر قرار دهد. برآیند طبیعی این رویکرد افزایش ضریب جمعیت‌پذیری مرکز استان نسبت به دوره‌های گذشته و تشکیل گونه جدیدی از مهاجرین متشکل از متخصصین و مشاورین حرفه‌ای، سرمایه‌گذاران، شاغلین بخش دولتی و... به خراسان شمالی است که به تبع آن، مهاجرت گروههای روستایی به ویژه از شهرستانهای پیرامون مرکز استان را به دلیل افزایش امید در دستیابی به شرایط بهتر اقتصادی و اجتماعی تحت الشعاع قرار می‌دهد.

مطالعه بر روی نرخ رشد جمعیت شهرهای استان خراسان شمالی تحت تأثیر فرایند مهاجرت، حکایت از این امر دارد که منطقه‌گرایی در استان خراسان شمالی با نوعی تمرکزگرایی شهری بخصوص در شهر مرکزی استان همراه بوده است. صرف نظر از رشد جمعیت شهری برخی شهرها، مثل فاروج (۰ درصد)، گرمه (۳/۱۳- درصد)، که جمعیت خود را به نفع دیگر شهرهای استان به ویژه مرکز این استان از دست داده‌اند، و یا جاذبه‌ای برای ورود مهاجران داخلی و خارج از استان نداشته‌اند، ما با رشد قابل توجه جمعیت دیگر شهرهای استان در این دوره، مواجه بوده‌ایم؛ به گونه‌ای که افزایش درصد شهرنشینی و رشد بالای جمعیتی در شهرهایی چون بجنورد (۲/۵ درصد)، اسفراین (۲/۲۵ درصد)، به صورت آشکار، تحت تأثیر جمعیت وارد شده به این شهرها، بخصوص از نواحی روستایی استان و نیز نواحی شهری و روستایی خارج از استان هستند.

### گونه شناسی جریانهای مهاجرتی در خراسان شمالی

بر اساس مدل استاندارد مهاجرت، جریانهای مهاجرتی ریشه در عواملی چون تباینات منطقه‌ای، هزینه‌های مترتب بر مهاجرت، سطوح مهارتی مهاجرین، نابرابری‌های درآمدی و سیاستهای تأثیرگذار دولت در فرایندهای مهاجرتی بخصوص در کشورهای جهان سوم دارد (بودوارسون و واندنبرگ<sup>۱</sup>، ۲۰۰۹: ۲۰).

چویی<sup>۲</sup> با بررسی رویکردهای مختلف مهاجرتی مبتنی بر عوامل دافعه و جاذبه، نقش دو عامل «سیاستهای دولت» و «سرمایه» را در شکل‌گیری جریانها و فرایندهای مهاجرتی کشورهای آسیایی مورد تأکید قرار داده است و معتقد است دولتها در اغلب کشورهای آسیایی پیوسته در حال ایفای نقشی واسطه‌گرانه میان تقاضای بازار کار و مهاجران اقتصادی بوده و از این طریق بر تعداد و حجم مهاجرین، ساختارسنی و جنسی آنها، زمان مهاجرت و گونه‌های مهاجرتی تأثیرات مستقیم بر جای می‌گذارد (هوایسون و یانگ<sup>۳</sup>، ۲۰۰۶: ۹).

ظهور استان خراسان شمالی به عنوان برآیند منطقه‌گرایی در شرق و شمال شرق ایران و انفکاک از خراسان بزرگ در راستای سیاستهای تمرکززدایی‌های منطقه‌ای، تأثیرات محسوسی در ساختارهای سنتی مهاجرت در این استان بر جای نهاده است. در همین راستا مطالعات جمعیت‌شناختی بر روی جریانهای مهاجرتی در این استان را از دو منظر «نظام مهاجرتی روستا-شهری» و «نظام مهاجرتی ناحیه‌ای» در قبل و بعد از تقسیمات سیاسی فوق، مورد تحلیل و بررسی قرار می‌دهیم.

### الف: نظام مهاجرتی روستا-شهری در خراسان شمالی

در نظام مهاجرتی روستا-شهری، رفتار مهاجرتی درون کوچان استان در جابه‌جایی میان سکونتگاههای روستایی و شهری خراسان شمالی در قبل و بعد از تقسیمات سیاسی استان مورد بررسی قرار می‌گیرد و پرسش اساسی در این تحلیل، بر این اصل مبتنی است که آیا نظام

1- Bodvarsson & Van den Berg

2- Choi

3- Hewison & Young

مهاجرتی در جابجایی مهاجران میان شهرها و روستاهای استان، از تقسیمات سیاسی اخیر تأثیر پذیرفته است یا خیر؟

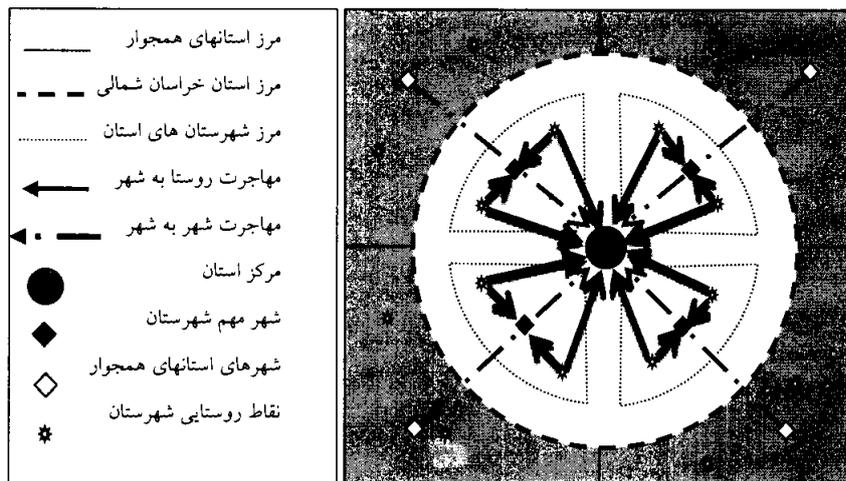
گونه‌شناسی نظام مهاجرتی درون کوچان در محدوده سیاسی خراسان شمالی قبل از منطقه‌گرایی و بر اساس آمارهای مرکز آمار ایران (۷۵-۱۳۶۵)، نشان می‌دهد بر خلاف جریان عمده جابه‌جایی‌های جمعیتی در کشور (مهاجرت‌های شهر به شهر) که در حدود ۴۶/۵ درصد از کل مهاجرت‌ها در ایران را طی سرشماری ۷۵-۱۳۶۵ به خود اختصاص داده بود (جوان، ۱۳۸۰: ۲۳۲)؛ در خراسان شمالی گونه غالب مهاجرتی، مهاجرت‌های سنتی (روستا به شهر) بوده که حکایت از تداوم جریان گذار از بافت و ساخت جمعیت روستایی به شهری و ورود به مرحله شهرنشینی معاصر در سرشماری فوق دارد. به عبارت دیگر این استان در فرایند توسعه شهرنشینی در ایران و دیگر کشورهای در حال توسعه، کمی دیرتر گام به مرحله توسعه پرشتاب شهرنشینی گام نهاده است و این جریان در مقایسه با میانگین جمعیت شهری کشور نشان از روند بطئی و کند شهرنشینی در استان حکایت می‌کند، روندی که به نظر می‌رسد در سرشماری رسمی ایران در سال ۱۳۸۵ سرعت بیشتری به خود گرفته است.

بررسی انواع جابه‌جایی‌ها در نظام مهاجرتی روستا-شهری استان نوظهور خراسان شمالی قبل از تفکیک از خراسان بزرگ نشان می‌دهد که بر اساس آمارهای جمعیتی ۷۵-۱۳۶۵ در این استان، مهاجرت سنتی یعنی مهاجرت روستا به شهر (۳۷/۲۴ درصد) و پس از آن مهاجرت‌های شهر به شهر (۲۹/۱۹ درصد)، دو وجه غالب جابه‌جایی‌های درون کوچان، در خراسان شمالی را به خود اختصاص داده بود.

دیاگرام جریان<sup>۱</sup> درون کوچان در خراسان شمالی بر اساس آمارهای مهاجرتی ۷۵-۱۳۶۵ نشان از این امر دارد که «مهاجرت‌های سنتی (روستا به شهر) در درون شهرستانهای خراسان شمالی» تا پیش از انجام تقسیمات سیاسی، بخش عمده جابه‌جایی‌های جمعیتی را به خود اختصاص داده بود.

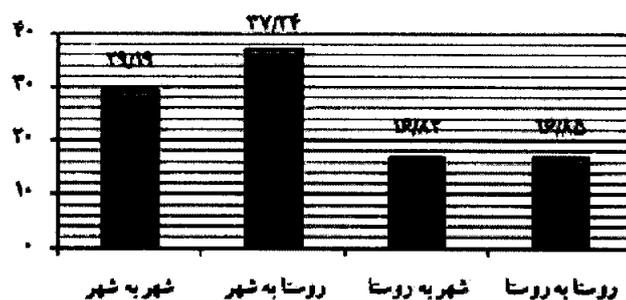
1- Flow diagram

دیاگرام ۱- مدل تحلیلی رفتار مهاجران داخلی در خراسان شمالی (۱۳۶۵-۷۵)



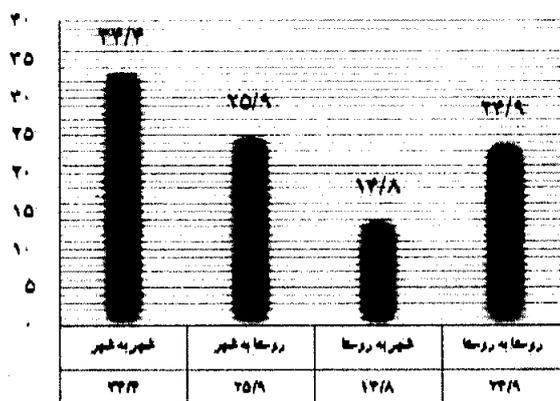
منطبق با قانون نخست مهاجرتی راونشتاین (وجود رابطه معکوس میان شدت مهاجرت بین دو نقطه با فاصله آن) (زنجانی، ۱۳۸۰: ۱۲۴)، جریانهای مهاجرتی خراسان شمالی نیز در سرشماری منتهی به سال ۱۳۷۵، تمایل به استقرار در شهر مهم شهرستان محل سکونت‌شان داشتند و در مرحله بعد شهر مهم منطقه (شهر بجنورد قبل از انتخاب به عنوان مرکز استان) را به عنوان مقصد مهاجرت بر می‌گزیدند به گونه ای که در این دوره مهاجرین درون شهرستانی به شهرهای استان با منشأ روستایی بیش از ۸۳ درصد معادل ۳۱۴۳۸ نفر را به خود اختصاص داده بودند.

نمودار ۱- مهمترین گونه های مهاجرتی داخلی خراسان شمالی در سرشماری ۸۵-۱۳۷۵



آنگونه که دیاگرام جریانی مهاجرت بر اساس سرشماری ۱۳۷۵ نشان می‌دهد، با طولانی‌تر شدن فاصله بین مبدأ و مقصد، سه گرایش ضمنی در مهاجران عمدتاً روستایی استان پدید می‌آید: الف) استقرار در نقاط شهری شهرستان محل سکونت ب) مهاجرت به سوی قطب صنعتی و جمعیتی بزرگ منطقه یعنی شهر بجنورد و ج) مهاجرت به مراکز مادرشهرهای بزرگ همچون مشهد و تهران. از این رو پلکانی و مرحله‌ای بودن فرایند مهاجرت در این دوره از روستاها به شهرهای کوچک و متوسط، از شهرهای متوسط ناحیه (شیروان، اسفراین، جاجرم) به شهر مهم منطقه (بجنورد)، و در نهایت از شهر مهم منطقه به مادرشهرهای منطقه‌ای همچون مشهد و تهران، وجه بارز و عمده جابجایی‌ها محسوب می‌گردد. در نتیجه نوعی مرحله‌بندی مهاجرت از نقاط کم جمعیت و کمتر فعال به نقاط پرجمعیت و فعالتر وجود داشت و این جریان تا انفکاک خراسان شمالی از خراسان بزرگ همچنان تداوم داشت.

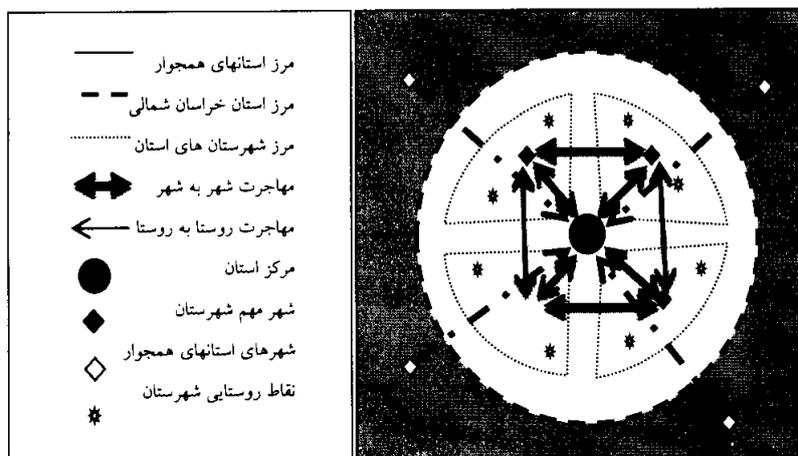
نمودار ۱- مهمترین گونه‌های مهاجرتی داخلی خراسان شمالی در سرشماری ۲۵-۱۳۶۵



با شروع زمزمه‌های تفکیک خراسان شمالی در اواخر دهه ۱۳۷۰ و در نهایت شکل‌گیری استان نوظهور خراسان شمالی در ساختار سیاسی-اداری کشور در سال ۱۳۸۳، روندها و جریانهای جمعیتی این استان دستخوش تحولات ملموسی شد. تقسیم استان به نوعی این قلمرو سیاسی تازه شکل گرفته را در مسیر شهرنشینی پرشتاب قرار داد و شهرهای آن بخصوص مرکز نوظهور آن یعنی بجنورد به کانون جذب درون کوچان و برون کوچان تبدیل

شد. از نخستین بازتاب‌های تحولات مرزهای اداری- سیاسی در ساختارهای جمعیتی، می‌توان به موضوع مهاجرت و تغییر در فرایندهای آن اشاره کرد. آمارهای سال ۱۳۸۵ مرکز آمار ایران، نشانگر ظهور و افزایش پویایی در جریان‌های مهاجرتی به سوی شهرهای استان خراسان شمالی است، به گونه‌ای که در این دوره و پس از تقسیم، حجم مهاجرت‌های داخلی معطوف به شهر با رشدی ۳۳ درصدی نسبت به دوره گذشته در این استان از ۸۹۹۹۲۵ نفر به ۱۳۴۸۲۸ نفر افزایش یافت و روند جریان‌های مهاجرتی استان در گرایش به سوی جابجایی از مراکز شهری کوچکتر به مراکز شهری بزرگتر و مرکز نوظهور خراسان شمالی پررنگ‌تر شد. دیاگرام مهاجرتی خراسان شمالی در سال ۱۳۸۵ نشان می‌دهد برخلاف سرشماری ۱۳۷۵ که شکل برجسته جابجایی‌ها بین نقاط شهری و روستایی استان غالباً شهر به روستا بود؛ در این دوره مسیرهای غالب مهاجرتی، به سوی جابه‌جایی‌های شهر به شهر تغییر روند داد، به گونه‌ای که این نوع مهاجرت، با ۳۴/۴ درصد بارزترین شکل جابه‌جایی‌ها در نظام مهاجرتی روستا- شهری است.

دیاگرام ۲ (نمودار ۲) - مدل تحلیلی رفتار مهاجرتی در خراسان شمالی (۸۵-۱۳۷۵)



آنچه در این خصوص مهم می‌نماید آن است که منشأ و خاستگاه ۶۶ درصد از مهاجران وارد شده به شهرهای خراسان شمالی طی سرشماری اخیر (در مقایسه با سهم ۱۶/۵ درصدی در سرشماری ۱۳۷۵) را مناطقی خارج از استان نوپای خراسان شمالی بویژه دو استان خراسان

رضوی و استان تهران به خود اختصاص داده اند. در این دوره، این گونه ی مهاجرتی (خارج از استان به شهرهای استان)، با افزایش چشمگیر، از ۱۶/۵ درصد کل مهاجرت ها، به مقصد شهرهای استان در سال ۱۳۷۵، به ۴۰/۲۸ درصد در سال ۱۳۸۵ فزونی یافته است؛ که از نظر قدر مطلق جمعیت نیز، در این سبک مهاجرتی، ما با افزایش تعداد مهاجرین از تعداد ۹۸۹۶ نفر در سال ۱۳۷۵، به ۳۲۶۸۱ نفر (یعنی افزایشی در حدود ۴ برابر)، مواجه بوده ایم. همگام بودن رشد پرشتاب شهرنشینی استان و تقویت و تمرکز جریانهای مهاجرتی خارج استان به سوی شهرهای استان و بخصوص مرکز آن، فرض تأثیر گذاری منطقه گرایسی اخیر بر جریانات مهاجرتی استان را به شدت تقویت می کند.

### ب- تحلیل ناحیه ای جریانهای مهاجرتی در- به استان خراسان شمالی

در تحلیل ناحیه ای فرایند مهاجرت درخراسان شمالی، رفتار مهاجران درون کوچ این استان در مقیاسهای درون شهرستانی، بین شهرستانی و مهاجرت از شهرستانهای سایر استانهای کشور، قبل و بعد از تقسیمات سیاسی مورد بررسی قرار می گیرد و پرسش اساسی در این تحلیل نیز، بر این اصل مبتنی است که آیا تحول در نظام مهاجرتی در مقیاس های فوق الذکر از تقسیم و انفکاک سیاسی اخیر تأثیر پذیرفته است یا خیر؟

مطالعات جمعیتی در خصوص مهاجران وارد شده به استان خراسان شمالی، طی دو دوره ی ۱۳۷۵ و ۱۳۸۵ سرشماری عمومی نفوس و مسکن، حاکی از آن است که بیشترین سهم از جا بجایی های جمعیتی و مهاجرتی در استان نوظهور خراسان شمالی به مهاجرت های درون شهرستانی تعلق دارد، به گونه ای که این نوع مهاجرت در سال ۱۳۷۵ در حدود ۶۳ درصد و در سال ۱۳۸۵ در حدود ۴۹/۰۳ درصد از مهاجرت های داخلی استان را به خود اختصاص داده است.

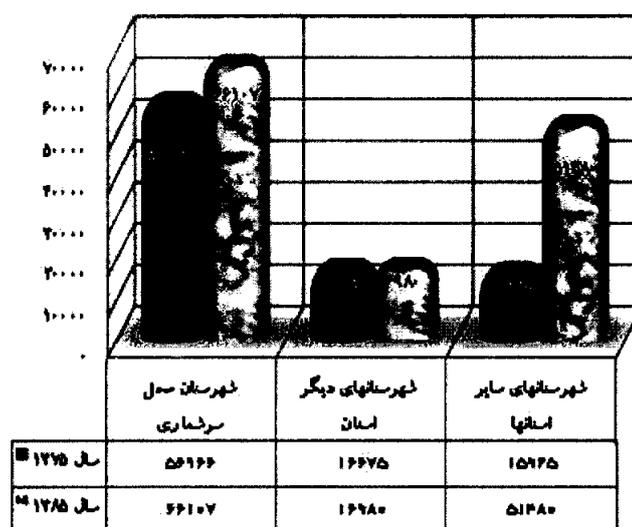
جدول ۸- مقایسه مرتبه گونه های مهاجرتی خراسان شمالی در مقیاس ناحیه ای بین دو سرشماری ۱۳۷۵ و

۱۳۸۵

رتبه	تعداد	درصد	رتبه	تعداد	درصد
۱	۵۶۹۶۶	۶۳/۳۴	۱	۶۶۱۰۷	۴۹/۰۳
۲	۱۶۶۷۵	۱۸/۵۴	۲	۵۱۴۸۰	۳۸/۱۸
۳	۱۵۹۲۵	۱۷/۷	۳	۱۶۹۸۰	۱۲/۵۹
۴	۷۷	۰/۸۱	۴	۸۱	۰/۶۱

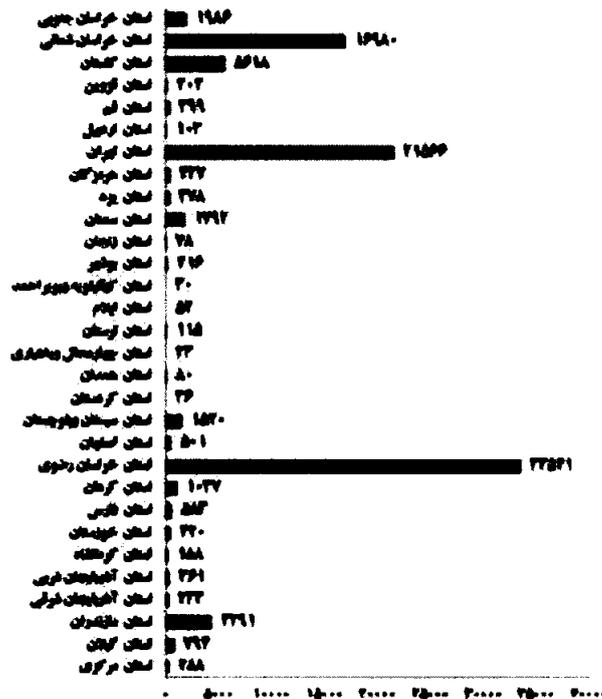
بررسی‌ها نشان می‌دهد که در سالهای اخیر و با شکل‌گیری استان خراسان شمالی پویایی چشمگیر در نوع جابجایی‌ها در این استان پدیدار شده است، به گونه‌ای که در دوره جدید (۱۳۸۵)، مهاجرت‌های خارج استان به این استان از رقم تقریبی ۱۵ هزار نفر در سال ۱۳۷۵ به ۵۱ هزار نفر در سال ۱۳۸۵ افزایش خیره‌کننده‌ای داشته است. آنچه در این میان حائز اهمیت می‌نماید، افزایش قابل توجه نسبت مهاجرین وارد شده از خارج استان به درون استان است که این نسبت در سال ۱۳۷۵، از ۱۷/۷۰ درصد، معادل ۱۵۹۲۵ نفر، فراتر نمی‌رفت؛ در حالیکه این ضریب (یعنی مهاجرین وارده از سایر استان‌ها)، در سال ۱۳۸۵، با افزایشی چشمگیر، به ۳۸/۱۸ درصد کل مهاجران یعنی قریب به ۵۱۴۸۰ نفر فزونی یافت که رشد ۳/۵ برابری مهاجران خارج استان نسبت به ده ساله ی ۷۵ - ۱۳۶۵ را نشان می‌دهد (جدول ۹).

جدول ۹- مقایسه گونه‌های مهاجرت‌های در خراسان شمالی بین دو سرشماری ۱۳۷۵ و ۱۳۸۵



همچنین مهاجرت‌های بین شهرستانی استان، که در سال ۱۳۷۵ با ۱۸/۵۴ درصد از کل مهاجران وارد شده، در جایگاه دوم جابجایی‌های جمعیتی قرار داشت؛ در سال ۱۳۸۵، با کاهش محسوسی به ۱۲/۵۹ درصد رسید. این امر نشان‌دهنده آن است که سهم درصدی و جمعیتی جابجایی‌های درون شهرستانی و بین شهرستانی در استان، طی ده سال اخیر، به صورتی چشمگیر، به نفع مهاجرت‌های خارج استان و تحت تأثیر منطقه‌گرایی اخیر، به شدت کاهش یافته است (نمودار ۳). مطالعات حکایت از این امر دارد که بخش عمده‌ای از

شماره ۳-۳- طبقه آماری مهاجران داخلی در سال‌های ۱۳۷۵ و ۱۳۸۵



مهاجرت های خارج استان به شهرها و روستاهای استان خراسان شمالی را مهاجران شهری به خود اختصاص داده اند؛ به طوریکه ۶۶/۶ درصد از کل مهاجرت های وارد شده از آن سوی مرزهای استان، معادل ۳۰۸۰۹ نفر را مهاجرت های شهر به شهر تشکیل می دهند. مهاجرت هایی که منشأ آن ها، شهرهایی در خارج از استان و مقصدشان شهرهای استان بویژه شهر بجنورد است؛ روندی که در دوره ی گذشته نیز شاهد آن بودیم، با این تفاوت که مهاجرت شهر به شهر در مقیاس استانی، در این دوره در حدود سه برابر افزایش یافته و از ۹۳۲۴ نفر در سال ۱۳۷۵، به ۳۰۸۰۹ نفر در سال ۱۳۸۵، فزونی یافته است، که اگر مهاجران خارج استان که روستاهای خراسان شمالی را به عنوان مقصد جابجایی خود در دوره اخیر برگزیده اند را به این آمار بیافزاییم، شمار مهاجران خارج استان به این استان در حدود ۵۱۴۸۰ نفر افزایش می یابد. مهاجرت بیش از ۲۱۸۲۵ نفر معادل ۴۱/۱۸ درصد کل مهاجرین خارج استان از خراسان رضوی و ۱۰۳۰۹ نفر معادل ۱۸/۹۲ درصد از استان تهران، می تواند متأثر از عواملی چون

انتخاب شهر بجنورد به عنوان مرکز استان، شکل‌گیری نهادهایی چون مدیریت سیاسی جدید (استانداری و واحدهای تابعه آن)، انتقال بسیاری از کارمندان دولتی و به تبع آن جابجایی خانواده‌های آنان به این شهر (مهاجرت‌های تبعی)، بازار بسیار مستعد اشتغال بخش خصوصی، دولتی و عمومی باشد.

### نتیجه‌گیری

منطقه‌گرایی و بازتقسیم سیاسی در قلمرو خراسان بزرگ و پیدایش استان خراسان شمالی از جمله اقدامات سیاسی-اداری و آمایشی در مرزهای درون سرزمینی ایران محسوب می‌شود که در سال ۱۳۸۳ سرآغاز بروز تحولاتی شگرف در روندهای جمعیتی و مهاجرتی این استان گردید. بررسی‌ها نشان داد که هرچند استان خراسان شمالی در هر دو دوره سرشماری ۱۳۷۵ و ۱۳۸۵ جزء استانهای مهاجرفرست کشور قرار دارد، اما در سرشماری اخیر، جریانهای جمعیتی و مهاجرتی این استان نوظهور دستخوش تحولات ملموسی شد که در زیر به برخی از این یافته‌ها اشاره می‌شود:

- ۱- منطقه‌گرایی در شمال شرق ایران به افزایش پویایی جریان مهاجرت‌های داخلی در استان خراسان شمالی انجامیده است. با اینکه در هر دو سرشماری ۱۳۷۵ و ۱۳۸۵ خراسان شمالی در ردیف استانهای مهاجرفرست کشور قرار گرفته بود ولی در داخل مرزهای سیاسی این استان پویای مهاجرت‌های داخلی در دوره پس از تقسیم، بی‌سابقه بود، به گونه‌ای که این گونه مهاجرتی در سال ۱۳۸۵ نسبت به سرشماری ۱۳۷۵ از نظر تعداد ۴۴۹۲۰ نفر و از نظر درصد در حدود ۶۶ درصد فزونی را نشان می‌دهد.
- ۲- منطقه‌گرایی در خراسان شمالی نقش مهمی در تشدید فرایند شهرنشینی در این استان داشته است. علی‌رغم کاهش چشمگیر نرخ رشد جمعیت استان از ۲/۲۴ درصد در سال ۱۳۷۵ به ۱/۰۳ درصد در سال ۱۳۸۷، روند شهرنشینی در این استان به صورتی بی‌سابقه تشدید شده است، به گونه‌ای که بعد از بازتقسیم خراسان بزرگ، روند رشد جمعیت شهری و تبدیل شدن بسیاری از روستاها و مراکز بخش به شهر سرعت گرفت. آمارها نشان می‌دهند که در طول یک دوره ۱۰ ساله (۸۵-۱۳۷۵)، از کل جمعیت ۴۴۴۰۶۸ نفری روستایی استان، در حدود ۳۰ هزار نفر کاسته و از سوی دیگر

به جمعیت شهرنشین استان خراسان شمالی تعداد ۱۰۳۸۸۸ نفر افزوده شد. به عبارت دیگر ضریب شهرنشینی استان از ۳۹/۳۸ درصد در سال ۱۳۷۵ به ۴۸/۶۴ درصد در سال ۱۳۸۵ افزایش و ضریب روستائینی استان از ۶۰/۶۱ درصد در سال ۱۳۷۵ به ۵۱/۳۵ درصد کاهش یافت.

۳- جریان شناسی گونه های مهاجرتی در خراسان شمالی قبل و بعد از تقسیمات سیاسی نشان دهنده تحولاتی ملموس در مبادی و مقاصد این جریانهاست. بررسی ها نشان داد که تا قبل از تفکیک این استان از خراسان بزرگ، دو بعد غالب جابه جایی های درون کوچان، مهاجرت سنتی یعنی مهاجرت روستا به شهر (۳۷/۲۴ درصد) و پس از آن مهاجرت های شهر به شهر (۲۹/۱۹ درصد) بود؛ در سرشماری بعد از تقسیمات سیاسی، شکل غالب مهاجرت های داخلی استان به مهاجرت های شهر به شهر (۳۴/۴) بویژه معطوف به مرکز استان تغییر جهت داد.

۴- تحلیل ناحیه ای جریانهای مهاجرتی در- به استان خراسان شمالی نیز حکایت از دگرپسای های آشکار جابه جایی های ناحیه ای در خراسان شمالی بعد از تقسیم دارد، به گونه ای که در سرشماری ۱۳۷۵ حجم عظیمی از مهاجرت های داخلی به مهاجرت های درون شهرستانی (۶۳ درصد) و پس از آن به مهاجرت های بین شهرستانی (۱۸/۵ درصد) اختصاص داشت. اما در سرشماری سال ۱۳۸۵ و پس از بازتقسیم خراسان بزرگ، از حجم مهاجرت های درون و بین شهرستانی کاسته و جریانهایی جمعیتی از خارج استان بخصوص از استانهای خراسان رضوی و تهران به سوی شهرها و روستاهای این استان سرازیر شد. به عبارت دیگر منطقه گرایی در این استان به گسترش دامنه و شعاع جابه جایی ها انجامیده و بر خلاف دوره قبل از تقسیم که تبادلات جمعیتی غالباً در داخل مرزهای سیاسی استان و نیز در محدوده های هر شهرستان صورت می گرفت، شکل گیری استان خراسان شمالی سبب شکستن مرزهای سنتی مهاجرت در استان و زمینه ساز ورود گروههای مختلف از قطبهای مهاجرفرست شرق و مرکز ایران به سوی خود گردید.

۵- منطقه گرایی در شمال شرق ایران و برآیند آن یعنی ظهور استان خراسان شمالی، اگر چه در برخی فرایندها و جریانهای مهاجرتی تأثیرگذار بوده است، اما در کوتاه مدت

نمی‌تواند به تغییری بنیادین در ساختار مهاجرت‌های سنتی استان نوظهور منجر شود. بررسی‌ها نشان داد که اغلب جابه‌جایی‌های جمعیتی استان خراسان شمالی، در هر دو سرشماری بعد و قبل از تقسیمات سیاسی، همچنان متأثر از زمینه‌ها و روابط اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی ساکنین این استان با همسایه جنوبی یعنی خراسان رضوی است و علی‌رغم تفکیک این دو استان از یکدیگر، هنوز مراودات پیچیده جمعیتی بین دو استان به نفع خراسان رضوی در حال جریان است.

#### منابع

- اسدی، خسرو (۱۳۷۵) *آنالیز جمعیت‌شناسی*، تهران: نشر سمت، چاپ اول
- امانی، مهدی و جمشید بهنام و حبیب‌الله زنجانی (۱۳۵۴) *لغت نامه جمعیت‌شناسی*، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- امانی، مهدی (۱۳۷۷) *مبانی جمعیت‌شناسی*، تهران: نشر سمت، چاپ اول
- استاندارداری خراسان (۱۳۸۴) *تقسیم استان خراسان*، مشهد: طرح پژوهشی معاونت سیاسی اجتماعی استانداری خراسان.
- پور طاهری، مهدی و ولی‌الله نظری و عبدالرضا افتخاری و زهرا احمدی پور (۱۳۹۰) "نقش ارتقاء سطوح مدیریتی فضا در توسعه روستایی با تأکید بر استانهای جدید نمونه استان قزوین"، *فصلنامه ژئوپلیتیک* ۷ (۳): ۲۵-۵۲
- جوان، جعفر (۱۳۸۰) *جغرافیای جمعیت ایران*، مشهد: انتشارات جهاد دانشگاهی. چاپ اول
- رهنا، محمد رحیم و زهرا احمدی پور (۱۳۸۲) "درجه بندی نظام تقسیمات کشوری"، *فصلنامه تحقیقات جغرافیایی* ۶۹: ۳۵-۴۸
- رهنا، محمد رحیم و زهرا احمدی پور و ابراهیم رمینا (۱۳۸۸) "نقش نظام تقسیمات کشوری در توسعه ملی، مطالعه موردی ایران"، *فصلنامه مدرس علوم انسانی، برنامه ریزی و آمایش فضا* ۱۷-۳۹: ۱۵(۲)
- زنجانی، حبیب ا... (۱۳۸۰) *مهاجرت*، تهران: نشر سمت.
- زنجانی، حبیب ا... (۱۳۸۸) *شناخت و تحلیل جمعیت در مطالعات روستایی*، تهران: انتشارات بنیاد مسکن انقلاب اسلامی، معاونت عمران روستایی، چاپ اول

کاظمی پور، شهلا و علی قاسمی (۱۳۸۶) "تجربه اقامتی و تمایل به مهاجرت به شهر تهران"،

نامه انجمن جمعیت‌شناسی ایران (۳) ۲

کریمی پور، یدالله (۱۳۸۸) ژئوپلتیک ناحیه گرایسی و تقسیمات کشوری در ایران، تهران: انتشارات انتخاب.

کلانتری، صمد (۱۳۷۵) روشهای مقدماتی تحلیل جمعیت، اصفهان: نشر مانی، چاپ اول

کلانتری، صمد (۱۳۸۲) کلیات جمعیت شناختی، تهران: نشر سایه، چاپ اول

عمید محمد جواد (۱۳۷۸) کشاورزی، فقر و اصلاحات ارضی در ایران، ترجمه سید رامین امینی نژاد، تهران: نشر نی.

مرتضوی تبریزی، مسعود (۱۳۸۳) مهاجرت روستائیان به شهرها و تأثیرات اقتصادی، سیاسی آن در دوران پهلوی دوم، تهران: نشر مرکز اسناد انقلاب اسلامی.

مرکز آمار ایران (۱۳۸۵) سرشماری عمومی نفوس و مسکن خراسان شمالی.

مرکز آمار ایران (۱۳۸۳) سالنامه آماری خراسان شمالی، تهران: انتشارات سازمان مدیریت و برنامه ریزی خراسان شمالی.

مرکز آمار ایران (۱۳۸۵) سالنامه آماری خراسان شمالی، نشر استانداری خراسان شمالی.

معاونت امور اقتصادی وزارت اقتصاد و دارایی (۱۳۷۵) تأثیر برخی از علل مهاجرت نیروی کار در ایران، تهران: چاپ اول

مؤمنی، محمد باقر (۱۳۵۹) مساله ارضی و جنگ طبقاتی در ایران، تهران: انتشارات پیوند، چاپ اول

مهندسین مشاور پارت (۱۳۸۶) طرح جامع مسکن استان خراسان شمالی، بجنورد.

Afifi, T. and J. Jager (2010) *Environment, Forced Migration and Social Vulnerability*, Berlin: Springer-Verlag Berlin Heidelberg.

Banko, C. (2009) *Redefining Regional Policies in Venezuela, From Decentralization to Recentralization*, chaptered in de-coding new regionalism: shifting socio-political contexts in Central Europe and Latin America: Ashgate Publishing Limited.

Bodvarsson, B. and V.H. Berg (2009) *The Economics of Immigrations*, London: Springer Dordrecht Heidelberg London.

- Browne, A. (2002) *Do We Need Mass Immigration?* The economic, demographic, environmental, social, and developmental arguments against large-scale net immigration to Britain. Cavities: London: Institute for the Study of Civil Society.
- Johnson, J. and T. Katseli and G. Maniatis, R. Münz and D. Papademetriou (2007) *Gaining from Migration: Towards a New Mobility System*, The Development Centre of the Organization for Economic Co-operation and Development.
- Llorente, M. and O. Pontón (1998) "Patterns of American Immigration and Their Influence on the Acquisition of Neuropsychological Norms for Hispanics", *Archives of Clinical Neuropsychology* 14 (7): 603-614
- Rebelo, E. (2010) "A methodology to approach immigrants' land use in metropolitan areas", *Journal of Cities* 27: 137-153
- Sancton, A. (2001) "Canadian Cities and The New Regionalism" *Journal of Urban Affairs* 23(5): 543-555.
- Scott, J. (2009) *De-coding New Regionalism: Shifting Socio-Political Contexts in Central Europe and Latin America*, Ashgate Publishing Limited.
- Smith J. and B. Edmonston (1998) *The Immigration Debate, Studies on the Economic, Demographic, and Fiscal Effects of Immigration*, Washington, D.C: National Academy Press.
- Tsukamoto, T. (2011) "Devolution, new regionalism, and economic revitalization in Japan: Emerging urban political economy and politics of scale in Osaka-Kansai", *Journal of Cities* 28: 281-289.
- United Nations( 2009) *International Migration Report: Key Findings*. Retrieved on 30 October 2009.
- Wallis, A. (2000) *The New Regionalism Inventing Governance Structures for the Early Twenty-First Century*. University of Colorado at Denver.
- White, P. (1998) "The Settlement Patterns of Developed World Migrants in London", *Urban Studies* 35(10): 1725- 1744.
- Hewison, K. and K. Young (2006) *Transnational Migration and Work in Asia*, Routledge.